

## نگاهی کوتاه به زندگی حضرت فاطمه معصومه سلام الله

بوی بهار کوچه های مدینه را پر کرده بود صدای دختر کوچولوی نجمه خاتون در اتاق پیچید خاندان پیامبر دخترها را دوست داشتند...



بوی بهار کوچه های مدینه را پر کرده بود صدای دختر کوچولوی نجمه خاتون در اتاق پیچید خاندان پیامبر دخترها را دوست داشتند و تولد این دختر در پنجمین روز فروردین حتماً هدیه ی خوبی بود و همه را خوشحال کرده بود. نامش را فاطمه گذاشتند در آن زمان رسم بود که هر کس را لقبی می دادند و امام رضا(ع) به او لقب معصومه یعنی پاک و بی گناه داده بود. حضرت معصومه 25 سال از برادرش کوچکتر بود اما همیشه یار و همدم او بود. هنوز 6 سال بیشتر نداشت که پدرش امام موسی کاظم (ع) به دست هارون به شهادت رسید اما حضرت معصومه برادری مثل امام رضا (ع) داشت و این، غم شهادت پدر را کم می کرد. 20 سال بعد وقتی که مأمون عباسی به حکومت رسید دستور داد امام رضا(ع) را به زور به شهر مرو در ایران بیاورند. حضرت معصومه نتوانست دوری برادر را بیش از یک سال تحمل کند. در نتیجه همرا تعدادی از افراد خانواده به سمت مرو حرکت کرد تا امام رضا(ع) را ببیند. وقتی به شهر ساوه رسیدند سربازان مأمون به آن ها حمله کردند و عده ای از همراهان آن ها را به شهادت رساندند. حضرت معصومه در حالیکه از غم و غصه بیمار شده بود به اطرافیان گفت مرا به شهر قم ببرید. زیرا که از پدرم شنیدم که قم مرکز شیعیان ماست. بزرگان قم وقتی که خبردار شدند که خواهر امام رضا(ع) میهمان شهر آن هاست با شادی به استقبالش رفتند. حضرت معصومه در میان شور و احساسات مردم به این شهر وارد شد و در منزل یکی از مؤمنان به نام موسی بن خزرج ساکن شد خانه ی موسی هنوز هم باقی است و در خیابان انقلاب اسلامی، میدان میر، خیابان عمار یاسر قرار دارد. حضرت معصومه (س) 17 روز در شهر قم ماند. اما بیماری اش شدید بود و به خاطر درازی راه و غصه زیاد ضعیف شده بود. سرانجام هم در یک غروب غم انگیز و سرد آذرماه کوچه های سرد و باران زده قم را ترک کرد و پیش خدا رفت. حضرت معصومه روزی که فوت کرد فقط 28 سال داشت. چند سال بعد وقتی که حضرت زینب دختر امام جواد(ع) به قم آمد بر مزار او گنبدی ساخت. اکنون شیعیان از سرتاسر جهان برای زیارت مزار او به شهر قم می آیند.